

در گفت و گو با جمعی از
معلمان مقطع ابتدایی مطرح شد:

موفقیت‌های آموزشی در گرو تعامل معلمان

دانش‌آموزان این مقطع ظرافت‌ها و حساسیت‌های روحی خاصی دارند. از طرفی بیشتر این مشکلات با توجه و درایت معلم و همکاری اولیای دانش‌آموز تا حد زیادی در دوران ابتدایی مرتفع می‌شود. همچنین در سنین بالاتر، دانش‌آموز شناخت بیشتری از وضعیت جسمی و روحی خود پیدا می‌کند. از این رو، آنچه سرنوشت و آینده‌ی کودک را رقم می‌زند، درک صحیح معلم از شرایط جسمی و روحی اوست. با توجه به اینکه موضوع ذکر شده، موضوعی به غایت مهم اما تا حد زیادی مغفول است، با چند تن از معلمان مقطع ابتدایی، پیرامون این موضوع، به گفت و گو پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

تعامل معلمان با یکدیگر موفقیت‌های آموزشی را پایدارتر می‌کند

خانم حسینی، معلم پایه‌ی اول ابتدایی، با تأکید بر اینکه تعامل معلمان با یکدیگر موفقیت‌های آموزشی را پایدارتر می‌کند، می‌افزاید: «در صورتی که این تعامل وجود نداشته باشد، نه تنها زحمات معلم‌های پایه‌های قبل به ثمر نمی‌رسد، بلکه احتمال ایجاد آسیب در دانش‌آموزان، به‌ویژه دانش‌آموزان با شرایط خاص، وجود دارد.»

وی به یکی از تجربه‌های خود اشاره می‌کند و می‌گوید: «در یکی از سال‌های تدریس، در پایه‌ی اول ابتدایی، دانش‌آموزی داشتم که در همان هفته‌ی اول، به مشکل خاص او پی بردم. او

زهرا نصیری

آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی، استان زنجان



نظام آموزشی کشور در سال‌های اخیر تغییراتی را به خود دیده است. به تبع آن تغییرات، روش‌های تدریس نیز تغییر یافته و روش‌های سنتی تدریس و کلاس‌داری جای خود را به روش‌های نوین داده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های روش‌های نوین، تعامل دانش‌آموزان در فرایند یادگیری است. البته باید توجه داشت که این موضوع، هم در آموزش حضوری و هم در آموزش مجازی، حائز اهمیت است.

آنچه گفته شد اصلی کلی برای تدریس به همی دانش‌آموزان در شرایط ایدئال است؛ اما به اذعان معلمانی که سال‌ها تجربه‌ی تدریس با روش‌های نوین را دارند، برخی از دانش‌آموزان به دلیل وضعیت خاص جسمی، ذهنی و حتی اخلاقی، در عین حال که در کنار سایر دانش‌آموزان به تحصیل می‌پردازند و بر اساس روش‌های نوین تدریس آموزش می‌بینند، به شرایط خاصی نیاز دارند تا یادگیری صحیح در آن‌ها اتفاق بیفتد. برای این منظور لازم است معلم به برخی نکات ظریف توجه ویژه‌ای داشته باشد. برخی از این نکات عبارت‌اند از: روشی که چنین دانش‌آموزانی به‌وسیله‌ی آن می‌توانند به درک مطلوب از درس برسند، توانایی دانش‌آموز در انجام تکالیف، محل نشستن دانش‌آموز در کلاس، تمرین‌های ویژه‌ای که باعث مرتفع یا کمرنگ‌شدن مشکل خاص آن‌ها می‌شود، نوع تکلیف متفاوتی که این دانش‌آموزان باید دریافت کنند و برخورد مناسب معلم با این دانش‌آموزان با توجه به مشکلی که دارند.

در این میان نکته‌ی اساسی آن است که برای دریافت نتیجه‌ی مطلوب از این روش آموزشی، به‌ویژه در رابطه با دانش‌آموزانی که وضعیتی خاص دارند، آنچه اهمیت ویژه‌ای دارد، تعامل و تبادل اطلاعات درباره‌ی دانش‌آموزان در میان معلمان پایه‌های گوناگون است تا اطلاعات لازم درباره‌ی هر دانش‌آموز به معلم سال آینده منتقل شود و او بتواند با درکی درست از شرایط دانش‌آموزانش به تربیت و آموزش در کلاس درس بپردازد.

البته ناگفته نپساید که اهمیت این موضوع در میان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی برجسته‌تر است؛ چراکه



آب‌نویسی
ابتدایی

دی‌ماه
دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۱

۱۴

تحمل فضای شلوغ و سروصدای زیاد را نداشت و وقتی که در چنین شرایطی قرار می‌گرفت، تعادل روحی خود را از دست می‌داد و شروع می‌کرد به دادزدن.»

حسینی ادامه می‌دهد: «با دیدن این شرایط، در روزهای اول، فرض را بر این گذاشتم که چون برای اولین بار فضای مدرسه را تجربه می‌کند، دست به چنین کاری می‌زند و دادزدن‌هایش ارادی است؛ اما طولی نکشید که متوجه شدم این حالت برای او کاملاً غیرارادی است و او نمی‌تواند محیط پرسروصدا را تحمل کند. وقتی موضوع را با اولیایش در میان گذاشتم، آن‌ها تشخیص مرا تأیید کردند.»

وی می‌گوید: «در طول سال تحصیلی، همه‌ی توانم را برای آرامش کلاس و آرامش آن دانش‌آموز که اتفاقاً توانایی بالایی در درک مفاهیم درسی داشت، به کار گرفتم. او با سطح خیلی خوبی پایه‌ی اول را پشت سر گذاشت؛ اما سال بعد، به دلیل نقل مکان خانواده‌اش، او هم به مدرسه‌ی دیگری منتقل شد. متأسفانه مطلع شدم که معلم پایه‌ی دوم نتوانسته بود شرایط او را تشخیص دهد. به همین دلیل مشکلات زیادی برای این دانش‌آموز به وجود آمده بود تا جایی که خواستند آن کودک را به مدرسه‌ای خاص معرفی کنند، در حالی که به نظر من او می‌توانست همه‌ی پایه‌ها را در کنار دانش‌آموزان عادی سپری کند، به شرط آنکه در میان

معلمان تعامل لازم وجود داشت و اطلاعات لازم درباره‌ی آن کودک به معلم پایه‌ی بالاتر منتقل می‌شد.»

ضرورت ثبت وضعیت خاص دانش‌آموزان در پرونده‌ی آن‌ها

خانم گلبن، معلم پایه‌ی چهارم دوره‌ی ابتدایی، نیز در تأیید سخنان همکارش اظهار می‌کند: «از نظر من که سی سال است در مدرسه‌های متعدد با کودکان کار کرده‌ام، یکی از کارهای مهم و ضروری که هر معلم باید در پایان سال تحصیلی انجام دهد، این است که با توجه به شناختی که از تک‌تک دانش‌آموزان پیدا می‌کند، نکته‌های مهم را مدنظر قرار دهد. نکته‌های مهمی مثل مشکلات جسمی، روحی، آموزشی و حتی برخی از مسائل خانوادگی از قبیل فوت یکی از اولیا و امثال آن، که در روحیه‌ی کودک تأثیر بسزایی دارد. معلم باید در برخوردهای خود، به این موارد توجه و در رابطه با تک‌تک دانش‌آموزانش یادداشتهای تهیه کند و به مدیر مدرسه تحویل دهد تا به‌طور محرمانه در پرونده‌ی دانش‌آموز نگهداری شود و به معلم سال آینده‌ی او، حتی اگر به مدرسه‌ی دیگری منتقل شد، تحویل داده شود. در این صورت معلمان پایه‌های گوناگون، در حقیقت تکمیل‌کننده‌ی کار یکدیگر خواهند بود و چه‌بسا با همکاری اولیای دانش‌آموز، مشکل مدنظر قبل از ورود دانش‌آموز به پایه‌ی بالاتر مرتفع شود. اما این یک واقعیت است که اگر تعامل لازم در میان معلمان وجود نداشته باشد، تلاش معلم‌های سال‌های قبل، به‌ویژه در رابطه با دانش‌آموزان دارای مشکل خاص، بی‌ثمر خواهد ماند.»

نقش اولیا در فرایند آموزش دانش‌آموزان

خانم حیدری معلم پایه‌ی سوم است. او نیز معتقد است: «علاوه بر همکاری و تعامل معلمان، همکاری اولیا نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه ما در تجربه‌های خود، دانش‌آموزانی را داشته‌ایم که مثلاً دچار اختلال یادگیری بوده‌اند و این موضوع توسط معلم تشخیص داده شده بود، اما متأسفانه اولیای این دانش‌آموز کمترین همکاری را با مدرسه نداشتند و گویی چنان از فرزندشان ناامید بودند که وضعیت او را پیگیری نمی‌کردند. در صورتی که مشکل آن کودکان با مراجعه به مرکز اختلالات یادگیری قابل حل بود.»

وی ادامه می‌دهد: «لازم است اولیای دانش‌آموزانی که دارای مشکل خاص مثل مشکلات جسمی هستند، در اولین روز مدرسه، موضوع را با معلم فرزند خود در میان بگذارند. این امر معلم را در تعلیم و تربیت آن دانش‌آموز و مدیریت صحیح کلاس یاری می‌کند.» حیدری تأکید می‌کند: «مسلم است که تعلیم و تربیت فرایندی پریپیچ و خم است که تنها در سایه‌ی تعامل معلمان و اولیا می‌تواند مسیر خود را به‌درستی طی کند و به هدف برسد.» تعلیم و تربیت نظامی تعاملی است که مهم‌ترین ارکان آن، اولیا، معلمان و دانش‌آموزانند. وقتی تعامل لازم با شیوه‌های صحیح برقرار شد، انتقال تجربه‌ها و خلق روش‌های جدید و مؤثر در تعلیم و تربیت محقق می‌شود.

